

## اعتراف صندوق بین المللی پول به عدم تعادل های تحمل ناپذیر جهانی پژوهش: ب. کیوان

### اندکی درباره پیشینه و کارکردهای صندوق

صندوق بین المللی پول به عنوان پاسدار آیین سنتی اقتصادی به سیاست خود موسوم به تعدیل ساختاری ادامه می دهد. رهبران آن مانند رهبران بانک جهانی انکار نمی کنند که شربت شفابخش آنان تلخ و حتی رنج آور است. اما جارچیان رنگارنگ آن با قیافه حق به جانب تلقین می کنند که آنها به نفع عموم عمل می کنند.

پس از بحران ۱۹۸۱ - ۱۹۸۲ بانک های بزرگ بازرگانی درهای خود را به روی جهان سوم بستند. نخستین اقدام آنها، نپرداختن وام خارجی بود که در ۱۹۹۱ برای مجموع کشورهای درحال توسعه، بالغ بر ۱۳۰۰ میلیارد دلار بود. پرداخت های خدمات وام بستانکاران فراتر از مجموع کمک ها و وام ها بود. در فاصله ۱۹۸۳ و ۱۹۹۰ جریان خالص سرمایه ها به کشورهای ثروتمند به ۱۵۰/۵ میلیارد دلار رسید. این مبلغ (در نسبت واقعی) معادل دو برابر هزینه مارشال است که بازسازی اروپا از فردای پایان جنگ دوم جهانی برپایه آن ممکن شده است.

از آغاز دهه ۸۰ صندوق بین المللی پول و بانک جهانی (همراه با سازمان های کمک و بانک های منطقه ای) مأموریت یافتند، جانشین بانک های بازرگانی و سرمایه گذاران خصوصی شوند تا از خشکیدن جریان سرمایه ها بسوی کشورهای در راه توسعه جلوگیری کنند. طبق لفاظی های رسمی گروه ۷ اعلام شده بود که باید به یاری کشورهای فقیر شتافت. اما خیلی زود آشکار شد که «فرمان جدید کمک» که توسط نهادهای مخلوق موافقت پروتون وود (۱۹۴۴) به اجرا درآمد، مشروط به شرط های تحمیلی برای انجام سرمایه گذاری ها است. از این رو، صندوق بین المللی پول به سرریز سرمایه ها به سمت جنوب کمک نکرد و در عوض «وظیفه پیگردها» و دریافت خدمات وام ها را به نیابت بستانکاران بر عهده گرفت. دقیقاً با اعطای وام های جدید برای تعدیل ساختاری است که نهادهای مالی مستقر در واشنگتن کشورهای فقیر آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین را به بازپس دادن طلب هایشان واداشت.

مسئله عبارت از یک اعتبار مالی ساختگی بود، زیرا مبلغ های جدید اعطایی به کشورهای فقیر بسی پایین تر از استرداد اصل و فرع وام ها بود. نتیجه این که حتی یک صدم مبلغ اعطایی برای سرمایه گذاری و تأمین هزینه ها از خارج وارد کشورهای فقیر نشد. چونکه این اعتبارها از محل پس دادن طلب های بستانکاران کلوب های پاریس و لندن تأمین شده است. یعنی بدین ترتیب وام تجاری با افزایش وام چند جانبه خریداری شد. بعنوان نمونه: در فوریه ۱۹۸۹، در پی شورش های خونین کاراکاس به نشانه اعتراض بر ضد شوک شفابخش صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، از جانب این دو مؤسسه مالی جهانی، یک وام ۱/۴ میلیارد دلاری در اختیار دولت کارلوس اندرس پرز (رئیس جمهور وقت ونزوئلا) گذاشته شد؛ این وام به منظور مدیریت مالی تبدیل وام زیان آور بانک نیویورک که توسط نهادهای مالی واشنگتن تضمین شده بود، اختصاص یافت.

### درمانی که جامعه مدنی را متلاشی می کند

سال ۱۹۸۵ مرحله جدیدی را نشان می دهد؛ زیرا در این سال روند انتقال خالص ثروت ها به کشورهای دولتمند شتاب گرفت. صندوق بین المللی پول که تا آن زمان - قبل از هر چیز به نام بانک های بزرگ و بستانکاران رسمی - به عنوان مدیریت مالی وام می پرداخت، شروع به مطالبه استرداد وام های خاص خود کرد. در فاصله ۱۹۸۶ و ۱۹۹۰ بالغ بر ۳۱/۵ میلیارد دلار به نفع صندوق بین المللی پول انتقال یافت؛ مبلغی که نمایشگر تقریباً ۲۲ درصد خروج سرمایه ها از جنوب و شرق به سوی شمال است. شگفت آور بودن این سیستم در این است که کشورهای فقیر از صندوق بین المللی پول حمایت می کنند!

در واقع کشورهای بدهکار نه تنها وام هایی را که به آنها داده می شود، تأمین مالی می کنند، بلکه آنها (برای وصول این پول ساختگی) باید تابع دستورهای اجاره دهندگان پول نیز باشند. هدف از محدودیت های شدید بودجه ای که از جانب هیأت های صندوق بین المللی پول، در چارچوب تعدیل ساختاری تحمیل می شود، فشرده سازی هزینه های دولتی به منظور

دستیابی به مبلغ های لازم، برای بازپس دادن وام است. به عقیده بنیاد سازمان ملل متحد برای دوران کودکی (یونیسف)، تقریباً نیمی از هزینه ها در کشورهای بسیار وامدار آمریکای لاتین برای خدمات وام اختصاص یافته است. جراحی های بودجه ای که از جانب صندوق بین المللی پول در چارچوب تعدیل ساختاری تحمیل می شود، حذف برنامه های آموزش و پرورش و بهداشت را در پی دارد.

ناکامی تعدیل ساختاری که تازه ترین نمونه آن در آرژانتین و ترکیه روی داد، انکار ناپذیر است. شوک درمانی صندوق بین المللی پول باعث ویرانی اقتصادی و متلاشی شدن جامعه مدنی کشورهای وامدار شده و جهان را به سوی پرتگاه کشانیده است. شوک درمانی در بیش از ۸۰ کشور جهان سوم، اروپای شرقی و در جمهوری های برآمده از اتحاد شوروی سابق به کار برده شده است. وانگهی مؤسسه های واشنگتن اعتراف می کنند که در هیچ مورد، به کارگشایی برجسته قابل ذکری نمی توان اشاره کرد. یک بررسی تازه صندوق بین المللی پول که هدف آن توجیه سمت گیری های این سازمان است، روشن می کند که: «به یقین نمی توان گفت که آیا این برنامه های "تعدیل ساختاری" عمل کرده اند» یا نه (...). بر پایه بررسی های موجود، به یقین نمی توان گفت که آیا برنامه های مورد حمایت صندوق، به بهبود کارها در زمینه تورم رشد اقتصادی انجامیده اند یا نه. در واقع اغلب به نظر می رسد که اجرای برنامه های (تعدیل ساختاری) همراه با افزایش تورم و پایین آمدن نرخ های رشد بوده است.»

جزم اندیشی اقتصادی و سیاست مونتاریستی (که بر اهمیت سیاست پولی در تنظیم زندگی اقتصادی تأکید دارد)، به بزرگ کردن شیوه هایی می پردازند که سیاست های مبتنی بر آن، آفریننده فقر و بدبختی اند. صندوق بین المللی پول در چارچوب شوک درمانی، اغلب کاهش زیاد ارزش پول و حذف اعانه ها (سوسپندها) و کنترل قیمت ها را توصیه می کند. نتیجه این که قیمت ها برای رسیدن به سطح جهانی بالا می روند و به موازات آن، قدرت خرید توده مردم به منظور تثبیت تقاضا و «پرهیز از فشارهای تورم» منجمد می گردد. اما، بررسی بسیار عمیق این استراتژی نشان می دهد که اقدام های پیشنهادی صندوق بین المللی پول، به واسطه دلاریزه کردن قیمت های داخلی، همزمان به رکود اقتصادی و تورم منجر می گردد. نمونه های آن در جهان سوم و اروپای شرقی بسیارند. در چکسلواکی از ۱۹۸۹ در پی کاهش ارزش پول ملی، قدرت خرید بیش از ۶۰ درصد کاهش یافته است. (لوموند دیپلماتیک مه ۱۹۹۲). در فاصله ۱۹۸۹ و ۱۹۹۱، تولید صنعتی در چکسلواکی ۹ درصد، در لهستان ۳۴/۵ درصد، در رومانی ۳۸/۹ درصد و در بلغارستان ۲۲/۲ درصد پایین آمده است. بنا به لفاظی های لیبرالیسم نو، این واگشت (با وسعتی بیشتر از دوره رکود اقتصاد دهه ۳۰ در غرب) به «میراث کمونیسم» و برنامه ریزی متمرکز نسبت داده شده است. در حالی که در کشورهای وامدار، سطح دستمزدها تا ۵۰ برابر پایین تر از سطح دستمزدها در کشورهای ثروتمند است، صندوق بین المللی پول خواستار نه تنها «قیمت های واقعی» بلکه خواستار ثابت ماندن دستمزدها در برابر بالا رفتن بهای زندگی است. از این رو، در این کشورها سطح زندگی روز به روز پایین تر می آید.

دومین مرحله تعدیل ساختاری مبتنی بر آزادی تجارت خارجی و گشودن مرزها است. تدبیرهایی که به شتاب دادن «دلاریزه کردن» قیمت ها منجر می گردد، قیمت های داخلی را هم سطح قیمت های بازار جهانی می گرداند. این آزاد سازی توأم با کم شدن قدرت خرید، موجب ورشکستگی بخش های مهم اقتصاد می گردد. مثلاً در اروپای شرقی برداشتن ناگهانی سدهای گمرکی، تخریب صنایع داخلی و هجوم اشیاء لوکس به مغازه های ورشو و پراگ را در پی داشته است. ادامه بحران موازنه پرداخت ها و افزایش وام خارجی از چنین سیاستی سرچشمه می گیرد.

توده های مردم که بر اثر سیاست تعدیل ساختاری باز هم فقیر تر شده اند، ناچارند به میزان زیادی از هزینه های غذایی خود بکاهند. در منطق این سیستم، اغلب مازاد تولید مواد غذایی کشاورزی صادر می شود. از این رو، در جامعه کشورهای مستقل، مواد غذایی اضافی (محصول های محلی) برای فروش در بورس کالاها در مسکو به حراج گذاشته می شود. داد و ستد ها میان واسطه ها و تاجران روسی و معامله گران مواد کشاورزی غربی، همواره به قیمت های «دلاریزه شده» (یا به پول های قوی) انجام می گیرد. و این در حالی است که اروپا و ایالات متحد موافقت کرده اند که به جامعه کشورهای مستقل کمک غذایی فوری بکنند.

## حراج ها

نهادهای سیستم برتون وود، در چارچوب «تعدیل سرمایه گذاری های عمومی»، اخراج توده ای مزدبگیران و بسته شدن درب مؤسسه های «بیمار» دولتی را درخواست می کنند. در فرهنگ جزم اندیشی اقتصادی، درمان سهل و ساده است: شرکت های «بیمار» دولتی، در مرحله پیش از خصوصی سازی در چارچوب تجدید مذاکره برای دریافت وام خارجی، تابع یک برنامه «اصلاحی» زیر نظر بانک جهانی می شوند. وانگهی درست مانند شیوه عمل در هنگام ورشکستگی، شرکت های سالم دولتی آرژانتین و ونزوئلا مثل کمپانی های خطهای هوایی و ارتباط های دور، به «قیمت مناسب» نه به مؤسسه های خصوصی، بلکه به شرکت های دولتی اروپایی فروخته شده اند. در واقع دولت های این دو کشور از درآمدهای حاصله از «خصوصی سازی» برای بازپس دادن طلب های کشورهای عضو کلوب پاریس و لندن استفاده کرده اند. در لهستان بخش مهمی از وام خارجی، در شرایطی حذف گردید که دولت از شوک درمانی (بیگ بنگ، ژانویه ۱۹۹۰) و همچنین از سیاست خصوصی سازی شرکت های دولتی زیر نظر نهادهای واشنگتن پیروی کرد.

از این رو، بسیاری از کشورهای وامدار تشویق شدند که شرکت های دولتی خود را به حراج بگذارند. بهمن عظیمی که از این حراج ها به راه افتاد باعث فروافتادن شتابان بهای فروش گردید. در حقیقت، مسئله عبارت از مستعمره سازی دوباره ای است که به غرب و ژاپن امکان می دهد که کشورهای اروپای شرقی و اتحاد شوروی را به بهای ارزان بخرند.

از جمله شرایط چند جانبه که بانک جهانی برای وام هایش قرار می دهد، مسئله آزادسازی سیستم بانکی است. این نوسازی به معنای گشودن بازار مالی به روی بانک های خارجی و بستن، «اصلاح»، یا خصوصی سازی بانک های دولتی است. بانک مرکزی، هر سه ماه یکبار از جانب صندوق بین المللی پول تفتیش می شود و هر نوع فرمانروایی بر سیاست پول ملی را از دست می دهد. اعطای اعتبار اعانه ای به کشاورزان یا صنایع کوچک و متوسط محلی حذف می گردد. از آن پس، نرخ بهره بنا بر بازی بازار «آزاد» معین می گردد. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه این تحول موجب شدت فعالیت های ویژه سیستم بانکی و بالا رفتن نرخ بهره می شود. این ترقی اعتبار (با نرخ های بهره فراتر از ۲۰ درصد پول محلی)، به نوبه خود به تخریب اقتصاد ملی کمک می کند.

افزون بر آن، آزادسازی مالی بر اثر دخالت صندوق اغلب به عمل مخفی کاری بانکی می انجامد و از این طریق به پالودن پول کثیف و فرار سرمایه ها به سوی حساب های خارج از کشور (پدیده ای که در اروپای شرقی و جامعه کشورهای مستقل به اوج خود رسیده است) کمک می کند. این تحول به افزایش روند پیشخور کردن وام خارجی منجر می گردد. اجرای «سیاست جدید اقتصادی» از سال ۱۹۸۵ در بولیوی امکان داده است که دلارهای مواد مخدر که قبلاً در پاناما و فلوریدا به امانت گذاشته شده بود، به میهن بازگردد. زیرا از زمان تعدیل ساختاری به تصمیم صندوق بین المللی پول، مخفی کاری بانکی، سوداگران بولیوی را قادر گردانیده است که پول کثیف شان را (با نرخ های بهره بالا) مستقیماً در بانک های لاپاز بپالایند (یا جابجا کنند). در پرو اصلاح سیستم بانکی از ۱۹۹۱ بر اساس رهنمود صندوق بین المللی پول - که یک روبرداشت از مدل بولیوی است - به رهبری رئیس جمهور فوجی موری، عملیات پالایش پول مواد مخدر را در بانک های بازرگانی محلی آسان کرده است.

## عدم تعادل های تحمل ناپذیر

در یک گزارش جدید درباره چشم اندازهای اقتصاد جهانی، صندوق بین المللی پول از عدم تعادل فزاینده بین کشورهای دارای کسری (بطور عمده ایالات متحد) و کشورهای دارای مازاد (مخصوصاً کشورهای اتحادیه اروپا و ژاپن) اظهار نگرانی کرده است. فراسوی حسن تعبیرها و اثبات ها از راه متضاد، نویسنده گزارش دامنه واقعی فاجعه های اقتصادی آینده را آشکار می کند. هنگامی که ماهی بزرگ همه ماهی های کوچک را بخورد چه اتفاق می افتد؟ می توان گفت از گرسنگی می میرد. پل اونیل رئیس خزانه داری آمریکا عقیده دارد که هیچ دلیلی برای نگرانی درباره کسری موازنه تجاری آمریکا وجود ندارد. او تأکید می کند که کسری کنونی «مفهومی بی معنا» است. با اینهمه، این گفته مانع از آن نیست که نهادهای مالی بین المللی این عقیده را نپذیرند؛ بخصوص صندوق بین المللی پول در این مورد هم آوا با کسانی است که هشدار می دهند. وام خارجی ایالات متحد دیر یا زود نتیجه های بین المللی بسیار با اهمیتی در پی دارد.

یک فصل کامل گزارش درباره چشم اندازهای اقتصادی جهانی صندوق بین المللی پول که در ۲۲ اکتبر ۲۰۰۲ انتشار یافت به عدم تعادل ساختاری فزاینده در درون اقتصاد جهانی بین کشورهای دارای کسری (در رأس آنها ایالات متحد) از یک سو و ملت های دارای مازاد مثل اروپا و ژاپن از سوی دیگر اختصاص یافته است.

کنت روگوف مدیر بخش پژوهش های صندوق بین المللی پول در مقدمه گزارش خود بیان می کند که منظور از این بررسی این است که معلوم کند «آیا عدم تعادل های جدید مالی کنونی بین کشورهای صنعتی قابل تحمل است» تاریخ خلاف آن را ثابت کرده است.

روگوف توضیح می دهد با اینکه معمولاً توجه روی دامنه کسری جاری ایالات متحد متمرکز می شود، پژوهش به روش کلی توجه دارد: کسری یک کشور مازاد کشور دیگر را تشکیل می دهد. نتیجه بوجود آمده این است که اکنون یک اختلاف متعادل با ۲/۵ درصد تولید ناخالص بین المللی بین مازادهای جاری اروپای غربی و آسیای شرقی (منطقه یورو و مخصوصاً ژاپن) و کشورهای دارای کسری و در رأس آنها آمریکا وجود دارد. در آنچه مربوط به دامنه مبادله های تجاری است، این عدم تعادل ها عملاً در کشورهای صنعتی شده پس از جنگ به سطح کاملاً بی سابقه ای رسیده است.

موضوع این بررسی مخصوصاً ارزیابی این خطر بود که آیا این عدم تعادل ها بسرعت زیر و رو می شوند و موجب اختلال در نرخ های تبدیل ارز می گردند و نیز پی بردن به این نکته است که آیا اصلاح بسیار کند آنها ممکن است؟ تحلیلی که این گزارش ارائه می کند و نیز گرایش های اقتصاد جهانی این فکر را القاء می کند که فرض دوم باورکردنی تر است.

گزارش از این یادآوری می آغازد که کسری بودجه های خارجی در منطقه های بزرگ صنعتی بطور منظم طی دهه ۱۹۹۰ افزایش یافته و نگرانی های زیادی را در زمینه احتمال تعدیل اساسی و اختلال در نرخ های اصلی تبدیل ارز را برانگیخته است. بی ثباتی بالقوه ناشی از این واقعیت است که پول ملی مورد استفاده در جهان دلار است، یعنی پول کشور با بیشترین کسری خارجی لحظه روبرو است. «سیستم مالی بین المللی بزرگترین ثبات اش را هنگامی شناخت که موضع خارجی کشور فرمانروا قوی بود؛ چنانکه این حالت بریتانیای کبیر در عصری بود که طلا معیار جهانی بود. و بزرگترین بی ثباتی اش در هنگامی بود که موضع کشور فرمانروا شکننده شده بود».

این گفته که اقتصاد آمریکا در تنش است از سادگی سرچشمه می گیرد. وام کلی خارجی اکنون تقریباً به ۲۳۰۰ میلیارد دلار بالغ می گردد. اگر گرایش کنونی ادامه یابد، وام خارجی بخاطر اینکه در ۲۰۰۷ به ۴۰٪ تولید ناخالص بین المللی می رسد، دوبرابر می شود.

افزایش عدم تعادل موازنه خارجی آمریکا ورود سرمایه بیش از یک میلیارد دلار در روز را ایجاد می کند. تا زمانی که ارزش دلار رو به افزایش بود، چنانکه این حالت از ۱۹۹۵ تا آغاز سال ۲۰۰۲ دوام داشت، این جریان توانست ترمیم پذیر باشد. اما وضعیت امروز بطور بنیادی تغییر یافته است. نخست، ورود سرمایه ها به ایالات متحد و ارزش یابی ارزش دلار که نتیجه آن است، مبتنی بر فرضیه سودهای همواره مهم تر بوده است. آشکار است که لطمه های شدید کنونی در نفس خود نتیجه چیزی است که صندوق بین المللی پول آن را «افراط های مالی» می نامد که با انقلاب تکنولوژی های انفورماسیون در پیوند است. سهم سرمایه در جستجوی هرچه بیشتر سود موجب ارزش یابی دلار شده است که برای سرمایه گذاران خارجی اضافه ارزش تولید می کند و به سهم جدید سرمایه تحرک می بخشد. اما این روند اکنون می تواند شروع به تغییر وضعیت کند و موجب بحران عظیمی گردد که دامنه بالقوه آن را رقم های گزارش ترسیم کرده است. این گزارش نشان می دهد که اگر ارزش یابی دلار که از ۱۹۹۵ آغاز شده وارونه شود، این امر می تواند افول هنوز بیشتر و حتی شکست دارایی های آمریکا را در پی داشته باشد.

### وام های غیر قابل تحمل

طبق متن گزارش نتیجه وضعیت هرچه باشد، روشن است که «شکاف کنونی بین افزایش تقاضای درونی واقعی و تولید واقعی «کشورهای کسری دار» نمی تواند بطور نامحدود حفظ شود؛ به بیان دیگر، ایالات متحد نمی تواند به وام گرفتن از بقیه جهان برای تأمین هزینه های فزونتر از درآمد ملی ادامه دهد و تقاضای واقعی درونی نیز ناگزیر تقلیل می یابد.

ما قبلاً با چنین سناریویی در پایان دهه ۱۹۸۰ روبرو بوده ایم. با اینهمه، در آن زمان تأثیرهای آن در اقتصاد جهانی با «شعله ور شدن تقاضا در منطقه یورو و ژاپن» و تأثیرهای هزینه های دولت آلمان در هنگام وحدت دو بخش آلمان از یک سو،

و بالا رفتن نرخ سوداگری از سوی دیگر کاهش یافت. این روند ها در آن دوره تأثیر مثبت دهنده داشت. اما آنها برای درازمدت قابل اتکاء نبودند و در سیستم بانکی ژاپن و صنعت ساختمان مسئله هایی ایجاد کردند، مسئله هایی که تا امروز فعلیت دارند. کوتاه سخن، بسیار بعید است که منطقه یورو و آسیای شرقی در موقعیتی باشند که کاهش تقاضا در همه جا را جبران کنند. این کمتر چیزی است که در این باره می توان گفت. دور از روبراه کردن وضعیت اقتصاد جهانی در هنگامی که تقاضای آمریکا کاهش می یابد، آخرین رقم ها نشان می دهند که منطقه یورو بیش از همیشه به بازار آمریکا برای برانگیختن رشد خود بستگی دارد. در جریان سه ماهه دوم سال جاری، رشد تقاضاهای داخلی تنها ۰/۱ درصد رشد کلی منطقه را تشکیل می دهد. به نوشته «اکنونمیست» «نرخ رشد کنونی منطقه طی سه ماهه دوم ۱/۴ درصد بود و چشم اندازها برای سه ماهه سوم هنوز بدتر است». رشد آلمان می تواند دوباره منقبض شود: «شاخص اتکایش در "تجارت" سه ماهه پیاپی سقوط کرد. در منطقه یورو، تقاضا بنا بر پول قوی و سقوط نرخ سهم ها فروکش کرده است. کارشناسان زیادی در تنزل پیشگویی های شان به کمتر از ۱ درصد برای رشد سال ۲۰۰۲ تجدید نظر کرده اند».

در بسیاری از جنبه ها وضع ژاپن هنوز بدتر است. تا حدی که بانک ژاپن (BOJ) اکنون می کوشد از بحران مالی با همه وسیله ها جلوگیری کند. آخرین کوشش در زمان همانا اعلام بازخريد سهم ها در اوراق بهادار مهم بانک های عمده بمنظور حفظ نرخ سرمایه گذاری های سالم مالی پایین تر از قاعده های بین المللی است.

رکود اقتصادی های آلمان و ژاپن سناریوی مورد علاقه صندوق بین المللی پول را رد کرده است که طبق آن با کاهش ارزش دلار و تنزل تقاضای داخلی آمریکا که با ترقی تقاضا در بقیه جهان جبران می شود، آرام آرام به حالت عادی باز می گردیم.

آنها خود را به سمت سناریوی فاجعه باری هدایت می کنند که در آن دلار بطور خطرناک غرق می شود، تقاضای داخلی آمریکا افول می کند و به سقوط به مراتب فزونتر تقاضای جهانی می انجامد و در همان حال رشد در اروپا و آسیای شرقی به دلیل کاهش صادرات به سمت بازار داخلی آمریکا شرایط مساعدی برای واگشت شدید اقتصاد جهانی فراهم می آورد.

منبع:

۱- بولتن آگهی رسانی آتاک شماره ۳۷۵

۲- سلسله مقاله های میشل شوسودوسکی استاد اقتصاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه اوتاوا در لوموند دیپلماتیک

دهه ۹۰